

## ساختمان نیاوران: نقل و انتقالات، بهسازی‌ها



در اواخر سال ۸۳، کتابخانه ملی که قسمتی از ساختمان اصلی پژوهشگاه را در نیاوران در اختیار داشت، به ساختمان نوسازش در عباس‌آباد منتقل شد. این انتقال علاوه بر آنکه گشایشی در فضای کاری پژوهشگاه پدید آورد، امکان تغییرات مناسب در معماری داخلی ساختمان اصلی را نیز فراهم کرد. منظور از این تغییرات بازگرداندن ساختمان به حالت اولیه‌اش — که از زیباترین ساختمان‌های تهران بود و تناسبی دلنواز با محیط پیرسایه اطرافش داشت — و البته، ایجاد محیطی آرامش بخش و شوق‌انگیز برای محققان است. این تعمیرات به تدریج (بدون آنکه کار پژوهشگاه دچار وقفه شود) در دست انجام است.

کند. این دوران برای پژوهشگاه ما دوران سختی بود به خاطر اینکه فشارهای زیادی از لحاظ کمبود جا متحمل می‌شدیم. تا اینکه کتابخانه ملی صاحب ساختمان بسیار قشنگ و وسیع عباس‌آباد شد و اینجا را تخلیه کرد و ما حالا مشغول آماده‌سازی این ساختمان جهت کارکرد جدید هستیم. در این ساختمان غیر از بخش ریاست، پژوهشکده‌های ریاضیات، علوم کامپیوتر، علوم شناختی و همچنین پژوهشکده فلسفه یعنی ۴ پژوهشکده مستقر هستند و بخشی از شبکه هم مستقر است. طرح ما این است که ۴ سالن سخنرانی کوچک و بزرگ داشته باشیم و از لحاظ طراحی سعی کرده‌ایم که به منطق معماری این ساختمان وفادار بمانیم.

با توجه به صرفه‌جویی که می‌بایست در هزینه‌ها به‌عمل آوریم، تا حالا کارهای لازم را از لحاظ پارتیشن‌بندی، کف‌پوش، و نور برای ۳ تا از قسمت‌های اصلی ساختمان انجام داده‌ایم و من امیدوار هستم که به تدریج که بخش‌های ما حالت طبیعی‌تری پیدا می‌کنند از هنر و ذوق بخش‌های مختلف کمک بگیریم و به‌نحو زیبا و درخور منطق و دلیل وجودی پژوهشگاه، جابه‌جای آن از دکوراسیون‌های ساده و پیام‌دار استفاده کنیم.

بنابراین، این ساختمان در حال شدن است، و انشا... در ظرف ۴-۵ ماه آینده ساختمانی بسیار دیدنی و زیبا برای پژوهشگاه خواهد شد.

مجله اخبار در صدد برآمد شرح مفصلتر این ماجرا را از زبان آقای دکتر لاریجانی ریاست پژوهشگاه که از آغاز کار در جریان ماجراهای مربوط به این ساختمان و شکل‌گیری پژوهشگاه بوده‌اند برای خوانندگان خود نقل کند. آنچه می‌خوانید گفتگویی است که خانم عاطفه پارسا از طرف مجله اخبار با ایشان انجام داده است.

### • لطفاً از تاریخچه ساختمان برای ما بگویید.

ساختمانی که دفتر مرکزی پژوهشگاه در آن مستقر است یک ساختمان ویژه در تهران به حساب می‌آید، هم از لحاظ محل و هم از لحاظ معماری. این ساختمان بخشی از مجموعه ساختمان‌های مربوط به رژیم سلطنتی سابق بوده است. در واقع بنا بوده دفتر کار همسر شاه سابق باشد ولی هیچ وقت به این منظور از آن استفاده نشده، هر چند بیشتر لوازمش را از ایتالیا و جاهای دیگر آورده بودند. این ساختمان بعد از انقلاب در اختیار بخش‌های فرهنگی کشور قرار گرفت. زمانی که تهران توسط عراق بمباران می‌شد، بخشی از کتاب‌های خطی را از کتابخانه ملی موقتاً به اینجا آوردند به خاطر اینکه احساس می‌شد اینجا امنیت بیشتری در برابر حمله هوایی دارد. کتابخانه ملی آن زمان جزو وزارت علوم بود، ولی در مجلس طرحی تصویب شد که این کتابخانه را از وزارت علوم جدا کردند و بردند به نهاد ریاست جمهوری. همین‌طور مجلس تصویب کرد که این ساختمان به وزارت علوم و در واقع به پژوهشگاه ما تعلق بگیرد. این مسأله بعد از مدتی بین ما و کتابخانه ملی ابهاماتی قانونی ایجاد کرد. من به معاون حقوقی وقت ریاست جمهوری که آقای دکتر مهاجرانی بود (زمان آقای رفسنجانی بود) نامه‌ای نوشتم و تفسیر مصوبه مجلس را خواستم. تفسیر ایشان این بود که اینجا متعلق به وزارت علوم و مرکز تحقیقات است و کتابخانه باید آن را تخلیه کند. بدیهی بود که کتابخانه جایی نداشت که بلافاصله ساختمان را تخلیه کند. لذا مجدداً تبصره‌ای در مجلس تصویب شد (اینها در زمان ریاست آقای کروبی در مجلس سوم تصویب شد) که گفتند اینجا متعلق به وزارت علوم یعنی متعلق به پژوهشگاه هست منتها کتابخانه ملی تا ساختمانش در عباس‌آباد ساخته نشود می‌تواند از آن بخش‌هایی که در اختیار دارد استفاده

### باسمه تعالی

### در این شماره:

- ساختمان نیاوران: نقل و انتقالات، بهسازی‌ها
- هندسه گروه‌های پراکنده
- طرح ساخت شتابگر خطی
- منطق ریاضی در ایران و در پژوهشگاه
- پیر فیزیک ایران
- شکل‌گیری علوم اعصاب در پژوهشگاه از نگاه نیچر
- خبرها و گزارش‌ها
- پژوهشکده‌ها در یک نگاه

## • موقعیت و معماری این ساختمان از

چه نظر اهمیت دارد؟

این ساختمان اولاً در یک منطقه بسیار سرسبز قرار گرفته. ثانیاً چون جزو ساختمان‌های سلطنتی بوده دسترسی به آن از نقاط مختلف شهر خیلی راحت است. یک چیز جالب در مورد این بنا این است که ساختمان به اصطلاح «بیرونی» درست شده یعنی ساختمانی است که اصلاً نسبت به بیرونش ایزوله نیست. بعضی ساختمان‌ها در و پنجره‌هایشان بسته است و هرچه دکور هست توی ساختمان است. این ساختمان «تو» ندارد. همان طوری که می‌بینید تویش هم خالی است یعنی ۴ طبقه روی هم نیست.



ساختمانی توخالی و اسفنجی است، و در واقع تویش هم بیرون است. معماری قشنگی دارد، معماری محیط‌های پرسایه. خلاصه این ساختمان با محیط پرسایه خودش کاملاً متناسب ساخته شده و یک چیز دیگر که من و خسروشاهی خیلی به آن علاقه داریم این است که اینجا سرچشمه قنات خیلی قشنگی است که ما گاهی جنگ‌های خونین کرده‌ایم که مسیر آن را عوض نکنند و این قنات برای این ساختمان باقی بماند.

سرسبزی این محیط مدیون وسواس خاص خسروشاهی است یعنی باید امتیاز آن را به او بدهیم چون او تک‌تک درخت‌های اینجا را می‌شناسد و هر روز آنها را وارسی می‌کند که ببیند سرچایشان هستند یا نه! اگر نبود پیگیری، وسواس و دغدغه خسروشاهی، ما یک چنین محیط سبزی نداشتیم. البته این کوچکترین خدمت خسروشاهی به این پژوهشگاه است. او خدمات زیادی به کشور و به پژوهشگاه کرده است. به هر صورت، این ساختمان با محیطی که دارد بسیار جای مناسبی برای تفکر علمی و تحقیقات است.

روزی که من اینجا آمدم (۱۶ سال پیش) رفتم توی گازوئیل‌خانه ساختمان. چون هوا داشت سرد می‌شد و آنجا خیلی به هم ریخته بود، رفتم آنجا را مرتب کنم. به چهار تا تابلوی بسیار زیبای نقاشی از اردشیر محمصص برخوردیم. آن تابلوها را کنار گذاشتیم که آماده و بازسازی کنیم و در جاهای مختلف ساختمان بگذاریم. فکر می‌کنم یک سری مدارک و تابلوهای دیگر هم بوده که قبل از اینکه ما بیاییم اینجا از بین رفته. در میان چیزهای به‌جا مانده، به‌خصوص تابلوهای زن مدرن و اسب‌های سفید تابلوهای بسیار قشنگی هستند که باید بازسازی بشوند.

## • ممکن است درباره طرح‌های خود برای ساختمان‌های این

محوطه بیشتر توضیح بدهید؟

نقشه ما برای طراحی ساختمان شامل مراحل مختلفی است. مرحله

اول، آماده‌سازی همین ساختمان اصلی است که محل استقرار ۴ پژوهشگاه و بخش ریاست است. همزمان، ساختمان قدیمی ریاضیات را بازسازی کرده‌ایم تا بخش اجرایی در آن مستقر شود. و مرحله دوم کار، ساختن یک مجموعه تکمیلی است که شامل ۲ طبقه پارکینگ و مقداری فضاهای دفتری، و چیزی حدود ۸۰۰۰ متر مربع برای کتابخانه، آمفی‌تئاتر، سالن‌های سخنرانی و یک رستوران نسبتاً قشنگ و خوب خواهد بود، که داریم نقشه‌هایش را آماده می‌کنیم و امیدوار هستیم که از سال آینده کار ساختن آن را شروع کنیم.

## • اول که آمدید اینجا وضع چه طور بود؟ دفتر داشتید؟ چندتا اتاق

اینجا بود؟

تقریباً شانزده سال پیش، دکتر فرهادی در سال‌های آخر تصدی وزارت علوم طی حکمی من را به ریاست اینجا منصوب کرد و این ساختمان را برای استقرار ما تعیین کرد ولی بودجه‌ای که برای ما در نظر گرفتند چیزی حدود یک میلیون تومان بود که از آن ۱ میلیون تومان فقط ۵۰۰ هزار تومان حاصل شد. وقتی ما کار را در اینجا شروع کردیم، فقط یک اتاق تقریباً به مساحت ۲۵-۲۶ متر برای ما آماده بود و به تدریج، پژوهشگاه شروع کرد به کار خودش را پیش بردن.

## • یعنی این ساختمان آماده نبود؟

این ساختمان آماده نبود. یک اطاقش قابل استفاده بود. ما در آغاز کار شعاری داشتیم و آن این بود که: همیشه جایمان باید تنگ‌تر از کارمان باشد. به تجربه دیده بودیم که مراکز دیگر سال‌ها وقتشان صرف ساختمان‌سازی می‌شود ولی از ساختن زیربنای علمی عقب می‌مانند. ما این روند را معکوس کردیم. گفتیم اگر لازم شد چادر می‌زنیم زیر چادر کار می‌کنیم اما کار علمیمان را شروع کردیم. در اولین جلسه‌ای که در اینجا تشکیل دادیم تصمیماتی که گرفتیم اینها بود:

علم کشفی است. ولی به هر حال تولید علم اصطلاح رایجی است. حجم وسیعی از مقاله‌های تحقیقاتی که در ایران در رشته‌های فیزیک و ریاضی تولید می‌شود متعلق به پژوهشگاه است. ولی بودجه و امکانات ما در این حد نیست. در عین حال ما فکر می‌کنیم یک چیزی را ثابت کردیم و آن این است که می‌توان حتی با امکانات کم کارهای زیادی انجام داد.

سال‌ها بود که ما چند نفری توی یک اتاق می‌نشستیم و فکر می‌کنم خیلی هم پرپرکت بود. دانشجویهای ما جا نداشتند. از صندلی‌ها به‌طور مشترک استفاده می‌کردیم. ولی کارها پیش می‌رفت. کتابخانه و اینترنت جایی بود که بیشتر پول‌هایمان را آنجا می‌گذاشتیم. برای خرید کتاب پول زیادی نداشتیم. یک بار سفیر آلمان برای کارهای مختلف سیاسی آمد دیدن من. به او گفتم: توی کار خوب می‌توانی بکنی و آن هم این است که به شرکت اشپرینگر-فرلاک بگویی کتاب‌های درخواستی ما را بفرستد. بعداً هر وقت پول پیدا کردیم، می‌پردازیم. او این کار را کرد و اتفاقاً در بخش خاورمیانه‌ای اشپرینگر یک فرد ایرانی به نام دکتر منصوری بود. او هم وقتی حمایت سفیر را دید دلگرم شد و ما اولین سری از مجموعه کتاب‌های بسیار با ارزش اشپرینگر-فرلاک را دریافت کردیم و پولش را سال‌ها بعد پرداختیم. این کار را با مؤسسات علمی دیگر هم کردیم. ما تا مدتی کتاب‌ها و مجلات را این جوری به دست می‌آوردیم. ولی برای ما خیلی مهم بود، در حدی که اگر یک قرص نان داشتیم نصفش را می‌دادیم برای کتابخانه،  $\frac{1}{4}$  را می‌دادیم به اینترنت و بقیه‌اش را هم صرف خودمان می‌کردیم. به این ترتیب، پژوهشگاه با ارتباطات وسیع با دنیا رشد کرد. یعنی محققانی که می‌آمد اینجا هیچ وقت حس نمی‌کرد که منقطع از دنیاست و در انزوا به سر می‌برد. چیز دیگری که به این مسأله باید اضافه کرد، رفت و آمد بسیار زیاد دانشمندان به پژوهشگاه است. دانشمندان بسیار بزرگی به اینجا آمده‌اند و گاهی ماه‌ها اینجا بوده‌اند. این سبب شد که محققین ما استانداردهایمان یک استاندارد کاملاً جهانی باشد. چالش علمی‌شان محلی نبود یعنی می‌توسیدند کار دست دوم بکنند.

#### • کار در اینجا را با چند نفر شروع کردید؟

زمانی که کار را شروع کردیم مجموعاً ۱۰ نفر بیشتر نبودیم ولی ۱۰ نفری که به سرعت توانستیم نیروهای مختلف را جذب کنیم.

#### • همه ریاضی بودند؟

ریاضی و فیزیک. هر کدام توانستیم ۳-۴ تا نیروی جوان و با انرژی را جذب کنیم و آنها موتورهای محرکه اینجا شدند. البته ما خاطرات تلخ و شیرین زیاد داریم. در هر حال یک کار خیلی خوب انتشار همین مجله اخبار است. که بخشی از تاریخ پژوهشگاه را ثبت کرده است.

• از اینکه وقت خودتان را در اختیار اخبار گذاشتید، از طرف نشریه سپاسگزارم. امیدواریم در آینده بتوانیم خاطرات شما را در باره سایر مطالبی که به آنها اشاره کردید، برای خوانندگان اخبار بازگو کنیم.

۱. به هیچ وجه ساختمان نمی‌سازیم یعنی نیرویمان را صرف ساختمان نمی‌کنیم،

۲. از فردا کار تحقیقاتی را شروع می‌کنیم حتی اگر جا نداشته باشیم،

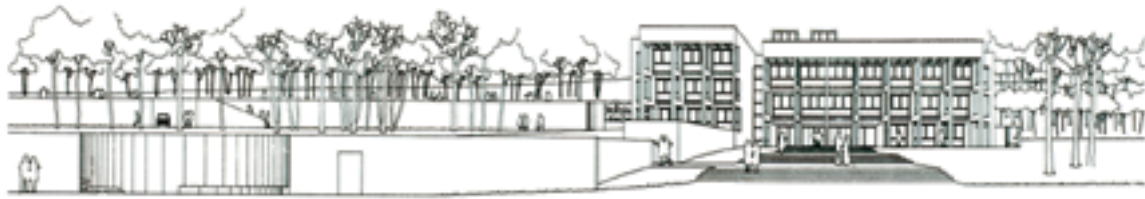
۳. به اینترنت وصل می‌شویم.

۱۵-۱۶ سال پیش اینترنت چیز خیلی جدیدی در دنیا بود. وصل شدن ما به اینترنت با همت دوستان خودمان، بنیانگذاران این مرکز، به اضافه مرحوم عبدالسلام صورت گرفت که بنا به توصیه او ما جزو مجموعه EARN (European Academic and Research Network) شدیم و از آنجا به دانشگاه لینز در اتریش وصل شدیم و روزی که یک دفعه دیدیم اتصال ما به شبکه اینترنت به‌طور برخط (on line) برقرار شده جشن خیلی بزرگی برای پژوهشگاه بود و برای فناوری اطلاعات (IT) در کشورمان. در واقع این نقطه، آغاز دسترسی به شبکه در کشورمان بود. ما همان امکانات کمی را که داشتیم بلافاصله تقسیم کردیم بین خودمان، دانشگاه‌ها و حتی بعضی دانشمندان در ترکیه و شوروی سابق که تازه فرو پاشیده بود. در آن موقع کشورهای اطراف از ما کمک می‌گرفتند چون ما از آنها جلوتر بودیم.

من یک بار باید راجع به تاریخچه شبکه این مرکز و خدمتی که پژوهشگاه با آوردن اینترنت به کشور و جامعه علمی کرد به تفصیل صحبت کنم. پژوهشگاه از آن تاریخ تا امروز بزرگترین تأمین کننده خدمات علمی کشور بوده و هزاران دانشمند، دانشجو، و محقق برای مبادله حجم وسیعی از اطلاعات علمی از این شبکه استفاده کرده‌اند، و شاید اولین نسل کسانی که در ایران شبکه را راه‌اندازی و اداره می‌کنند در کلاس‌های ما در اینجا تربیت شده باشند. این باشد برای مصاحبه‌ای دیگر.

#### • وقتی آمدید، چه جوری کار را شروع کردید؟

همان‌طور که اشاره کردم، پژوهشگاه بعد از سال‌ها پیگیری به تصویب وزارت علوم رسید و بعد با امکانات خیلی کم شروع به کار کرد. در ابتدا برای ما یک میلیون تومان بودجه گذاشته بودند و از آن هم فقط پانصد هزار تومان به دست ما رسید؛ ولی در همان سال با کمک مقام معظم رهبری توانستیم ۱۲ میلیون تومان برای تحقیقات و خرید کتاب هزینه کنیم. گاهی خودمان اتاق‌هایمان را جارو می‌کردیم. چون کسی نبود، خودمان آنها را تمیز می‌کردیم و هیچ ابایی هم نداشتیم. برای ما مهم این بود که فرمول‌هایمان را بنویسیم. همه‌مان بلافاصله دست به کار شدیم و هر کدام بخشی از تحقیقات علمی را به عهده گرفتیم. من خودم علمی‌رغم اینکه درگیری‌های کاری زیادی داشتم بخش بزرگی از وقتم را به تدریس منطق ریاضی و آموزش نسل اول منطق‌دان‌های ایران اختصاص دادم. رشد ما از لحاظ کاری نسبتاً سریع بود. امکانات ما هم به تدریج افزایش پیدا کرد. ما برای گرفتن امکانات سختی‌های زیادی کشیدیم. الان هم امکانات ما در حد کارمان نیست، پژوهشگاه بزرگترین تولید کننده علم در کشور است. من اصطلاح «تولید علم» را دوست ندارم چون تولید علم مثل تولید لوبیا و باقلا به نظر می‌رسد.



ساختمانی که در این شماره اخبار به آن اشاره شده و اینک ساختمان اصلی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی است، توسط تیم متشکل از کامران دیبا، ای. جی. میجر، و پی. گوپتا طراحی شده، و کارهای اجرایی آن بین سال‌های ۷۸-۱۹۷۰ توسط Ross Construction Company انجام گرفته است. عکس‌های روی جلد و طراحی‌های این صفحه از کتاب

K. Diba, *Buildings and Projects*, Hatje, Stuttgart, 1981

گرفته شده است.